

کمیت‌نمایی نشانهٔ جمع «-ها» در فارسی

علی درزی^{۱*}، لیلا قدیری^۲

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۶

دریافت: ۸۹/۸/۲۴

چکیده

در این مقاله ضمن معرفی آراء دستورنویسان و زبان‌شناسان در مورد تکواژ جمع «-ها»، زمان‌واژه‌های جمع زبان فارسی را به دو گروه تقسیم می‌کنیم. در ادامه، ضمن تمرکز بر زمان‌واژه‌های دارای نشانهٔ جمع «-ها»، ابتدا با استفاده از تعامل میان این گروه از زمان‌واژه‌ها، از یک‌سو با سورها، و از سوی دیگر با عبارات استفهامی، نشان خواهیم داد که نشانهٔ جمع «-ها» به زمان‌واژهٔ میزبان خود ویژگی گروه‌های سور را می‌بخشد. سپس ساختاری را برای گروه‌های سور در زبان فارسی پیشنهاد می‌کنیم که در آن هستهٔ اسمی زمان‌واژه که دارای مشخصهٔ قوی [+سور] است، باید در حرکت چرخه‌ای خود ضمن عبور از هستهٔ گروه‌شمار به هستهٔ گروه‌سور متصل شود و این مشخصهٔ قوی خود را در نحو آشکار بازبینی کند. این توصیف جدید از نشانهٔ جمع «-ها» در چارچوب نظریهٔ کمینه‌گرا و باتوجه به اصول دستور جهانی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: زمان‌واژه، سور، دامنه، مشخصهٔ قوی، عبارت استفهامی.



۱. مقدمه

در بررسی‌های زبان‌شناسی نوین، نشانه‌های جمع^۱ جایگاه ویژه‌ای دارند. رفتارهای خاص نشانه‌های جمع در زبان‌های مختلف همواره توجه زبان‌شناسان را به خود جلب کرده و باعث شده است که این نشانه‌ها از دیدگاه‌های مختلف صرفی، نحوی و معنایی مورد بررسی قرار گیرند. در زبان فارسی معاصر، چندین علامت جمع، فارغ از اصل و منشأ آن‌ها به‌کار می‌رود که پربرسام‌ترین و زایاترین آن‌ها، نشانه جمع «-ها» است. در واقع تکواژ تصریفی «-ها» به عنوان نشانه جمع برای اسامی فارسی و عربی و هر نوع اسمی که در زبان فارسی به‌کار می‌رود، استفاده می‌شود. مشاهدات و تحلیل‌های نحوی این مقاله، در مورد رفتار خاص این تکواژ همراه با گروهی از زمان‌واژه‌های زبان فارسی است که تنها با «-ها» جمع بسته می‌شوند و با سایر نشانه‌های جمع همراه نمی‌شوند.

در این مقاله نگارندگان سعی می‌کنند به این پرسش پاسخ دهند که آیا تکواژ جمع می‌تواند در بعضی از زمان‌واژه‌های زبان فارسی، به اسم همراه خود ویژگی کمیت‌نمایی^۲ ببخشد؟ آن‌ها با تأیید مثبت بودن پاسخ، در نهایت ساختی را ارائه می‌کنند که رابطه این تکواژ در جایگاه گروه‌شمار^۳ را با گروه کمیت‌نما^۴ نشان می‌دهد.

در بخش دوم مقاله، مختصری از نظرات دستورنویسان و زبان‌شناسان را درباره نشانه جمع بیان می‌کنیم؛ در بخش سوم، زمان‌واژه‌های دارای نشانه جمع «-ها» در زبان فارسی را بررسی و آن‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنیم و در بخش چهارم به معرفی ویژگی‌های سورها می‌پردازیم. در بخش پنجم با استفاده از تعامل دامنه میان سورها و عبارات استفهامی از یکسو و دسته موردنظر از زمان‌واژه‌ها ازسوی دیگر، نشان می‌دهیم که این زمان‌واژه‌ها دارای ویژگی گروه‌های سور هستند. در بخش ششم ساختاری برای گروه‌های سور ارائه می‌دهیم که در آن زمان‌واژه‌های موردبحث در جایگاه هسته گروه اسمی تولید می‌شوند و در قالب برنامه «کمینه‌گرا» (چامسکی، ۱۹۹۵) به منظور بازیابی مشخصه قوی [+سور] خود در نحو آشکار پس از حرکت به هسته گروه‌شمار به هسته گروه‌سور متصل می‌شوند.

1. plural markers
2. quantificational feature
3. number phrase
4. quantifier phrase
5. minimalist Program

۲. پیشینه تحقیق

دستورنویسان و زبان‌شناسان توجه ویژه‌ای به نشانه جمع «-ها» در زبان فارسی داشته‌اند و از جنبه‌های مختلف صرفی و نحوی به بررسی آن پرداخته‌اند. صادقی (۱۳۴۸)، صادقی و ارژنگ (۱۳۵۷) و لازار (۱۹۹۲)، «-ها» را زیاترین نشانه جمع در زبان فارسی می‌دانند. بنابر نظر لازار (۱۹۹۲)، «-ها» تنها پسوند جمعی است که آزادانه در فارسی معاصر به کار می‌رود و در کاربرد گفتاری و زبان نوشتار عادی می‌تواند به هر اسمی ملحق شود. همچنین این پسوند «-ها» پس از اسم و پیش از وابسته‌های آن می‌آید. با این همه، در همه گروه‌های نحوی (اسم + وابسته یا اسم‌های هم‌پایه) که ارزشی معادل یک واحد واژگانی یافته‌اند، پسوند «-ها» به مجموعه آن‌ها می‌پیوندد.

سمیعان (۱۹۸۳) تکواژ جمع «-ها» در زبان فارسی و نیز پسوند «-ه» در زبان گفتاری را پسوند‌های معرفه‌ساز اسم معرفی می‌کند. از نظر او زمانی که «-ها» بعد از یک هسته اسمی که با کسره اضافه به یک توصیف‌کننده اسمی یا صفتی مربوط شده قرار گیرد، تنها نشانه جمع به‌شمار می‌رود و نقشی در معرفه‌کردن اسم ندارد.

قمشی (۱۹۹۶) با توجه به تکیه بر بودن تکواژ جمع، نشانه جمع «-ها» را تکواژ سطح کلمه و یک وند اشتقاقی در نظر می‌گیرد، نه تصریفی. او ضمن آنکه مشخصه معرفه‌بودن^۱ اسامی در فارسی را یک عنصر تهی در نظر می‌گیرد، معتقد است که اسم دارای نشانه جمع در جایگاه مفعول یا باید با «ی» نکره ظاهر شود، یا با حرف تعریف معرفه تهی که وجود این حرف تعریف، منجر به حضور «را» می‌شود. او نشانه «را» را عامل معرفه‌کردن اسم در جایگاه مفعول می‌داند و نتیجه می‌گیرد که نشانه جمع «-ها» در فارسی علاوه بر دلالت بر بیش از یک، باعث معرفه‌شدن اسم نیز می‌شود.

قمشی ضمن تکرار اینکه وجود تکواژ جمع بر روی اسم به تنهایی و بدون حضور «ی» نکره باعث معرفه‌شدن اسم می‌شود، عنصر معرفه‌ساز را یک عنصر تهی می‌داند و ساخت زیر را برای اسامی همراه با نشانه جمع پیشنهاد می‌کند:

$$[\text{DP} [\text{NP N-PL}] \emptyset_{\text{def}}] \quad (۱)$$

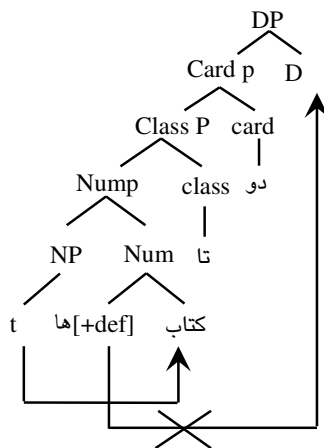
وی از آنجاکه جایگاه «ی» نکره را هسته گروه‌سور معرفی می‌کند، مجاز بودن تکواژ جمع را تنها در صورت حضور آن در گروه سور یا گروه حرف تعریف^۲ می‌داند (قمشی، ۲۰۰۳: ۵۷).

1. definite feature
2. determiner phrase



معظمی (۱۳۸۵) برخلاف قمشی، معتقد است که جایگاه تکواژ جمع در زبان فارسی مانند بیشتر زبان‌ها، هسته یک گروه نقشی یعنی گروه‌شمار می‌باشد و به پیروی از پاناگیوتیدس (۲۰۰۲) و بسیاری از زبان‌شناسان دیگر، قائل به وجود گروه‌شمار در زبان فارسی می‌شود. او همچنین با توجه به تفاوت نظام‌شمار در فارسی و انگلیسی، بعضی از ویژگی‌های زبان فارسی مانند ظاهر نشدن اعداد بیش از یک با اسم دارای تکواژ جمع را به این شکل تبیین می‌کند که در نظریه کمیگی جایگاه بازبینی ویژگی‌های مشخص معرفه و نکره بودن اسم در گروه حرف تعریف است، پس هر اسمی که چنین ویژگی‌هایی دارد، باید به این گروه رفته تا آن را بازبینی کند. از نظر او زبان فارسی جزو زبان‌هایی است که حرکت اسم در آن آشکارا در نحو انجام می‌شود؛ به عبارت دیگر، ویژگی معرفه‌بودن [+ def] در زبان فارسی ویژگی قوی است که باید در رابطه خواهری بازبینی شود و بازبینی شدن ویژگی‌های قوی طبق نظر چامسکی (۱۹۹۵، به نقل از معظمی) باید قبل از رسیدن به بخش معنایی^۱ صورت گیرد، در غیر این صورت اشتقاق سقوط^۲ می‌کند. پربودن هسته‌های فرافکن‌های عدد و ممیز، طبق نظر او را (۲۰۰۰، به نقل از معظمی) مانعی بر سر راه حرکت گروه اسمی همراه با تکواژ «-ها»، به منظور بازبینی معرفه خود است و منجر به غیردستوری شدن جمله می‌شود.

(۲) * دو تا کتاب‌ها خریدم.



(معظمی، ۱۳۸۵: ۲۴۰)

1. logical form
2. crash

بدین ترتیب معظمی با در نظر گرفتن هسته گروه‌شمار به عنوان جایگاه نحوی تکواژ جمع، عدم‌باهم‌آیی اعداد بیش از یک، با اسم دارای نشانه جمع را تبیین می‌کند.

۳. زمان‌واژه‌های دارای نشانه جمع «-ها» در زبان فارسی

به‌طور کلی می‌توان گفت زمان‌واژه‌ها، اسم‌هایی هستند که بر زمان دلالت می‌کنند یا ظرف زمانی برای یک رویداد و یا وضعیت هستند؛ مانند سال، ماه، هفته، روز، شب، فروردین و تکواژ جمع «-ها» به همراه این اسم‌ها رفتارهای خاص معنایی و نحوی از خود نشان می‌دهد که ظاهراً تاکنون موردتوجه قرار نگرفته‌اند. برای ورود به این بحث، ابتدا دو جمله ۳ و ۴ را در نظر می‌گیریم که در آن‌ها زمان‌واژه‌ها به صورت جمع و در جایگاه‌های فاعل و مفعول قرار دارند. مشاهده می‌کنیم که تکواژ «-ها» همان‌گونه که در سایر منابع ذکر شده است، نشانه جمع و معرفه‌ساز است.

(۳) هفته‌ها از پی هم گذشتند.

(۴) دوشنبه‌ها را پشت سر گذاشتم، تا سرانجام یک روز او از راه رسید.

در دو جمله ۳ و ۴ زمان‌واژه‌های دارای تکواژ جمع «-ها»، یعنی «هفته‌ها» و «دوشنبه‌ها» معنای تعدد، کثرت و طول زمان را به ذهن متبادر می‌کنند. به‌علاوه، به پیروی از قمشی (۲۰۰۳)، آمدن تکواژ «را» پس از «دوشنبه‌ها» در مثال ۴ نشان می‌دهد که «دوشنبه‌ها» یک اسم معرفه است. حال اگر دو زمان‌واژه «هفته‌ها» و «دوشنبه‌ها» را به عنوان قید زمان جمله به‌کار ببریم، تکواژ «-ها» رفتار یکسانی را از خود نشان نمی‌دهد، بدین ترتیب که در جمله ۵ نشانه جمع و کثرت، ولی در جمله ۶ علاوه بر جمع‌بودن، بیانگر تکرار نیز هست.

(۵) هفته‌ها روی موضوع پایان نامه‌ام کار می‌کردم.

(۶) دوشنبه‌ها تلویزیون سریال جالبی پخش می‌کند.

در جمله ۵، «هفته‌ها» مانند سایر اسامی که با «-ها» جمع بسته می‌شوند، معنای جمع و طول زمان را می‌رساند. اما جمله ۶ دارای دگرگفت ۷ است.

(۷) هر دوشنبه تلویزیون سریال جالبی پخش می‌کند.

در جمله ۷ «هر» یک‌سور^۱ است که به همراه «دوشنبه» گروه‌سور «هر دوشنبه» را تشکیل

1. quantifier



می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که «دوشنبه‌ها» در جمله ۶ یک گروه حرف تعریف و در بردارنده گروه اسمی «دوشنبه» است که خوانشی معادل یک گروه سور، یعنی «هر دوشنبه» دارد. بدین ترتیب با توجه به دو جمله ۵ و ۶ می‌توان زمان‌واژه‌های زبان فارسی را حداقل به دودسته تقسیم کرد:

الف- گروهی از زمان‌واژه‌ها که همراه شدن آن‌ها با نشانه جمع «-ها» و به عنوان قید زمان جمله مانند سایر اسامی زبان فارسی معنی کثرت و جمع را می‌رساند؛ مانند *قرن، سال، ماه، هفته، ساعت و ...*.

ب- گروه دیگر از زمان‌واژه‌ها که همراه شدن آن‌ها با نشانه جمع «-ها» و به عنوان قید زمان جمله علاوه بر معنای جمع، معنای تکرار و خوانش سوری و یا کمیت‌نمایی «هر...» را می‌رساند؛ مانند *صبح، ظهر، عصر، یکشنبه، اردیبهشت، زمستان و ...*.

آنچه در ابتدای امر به نظر می‌رسد، این است که عناصر گروه دوم به مفاهیم زمانی اشاره می‌کنند که بخشی از عناصر دسته اول هستند؛ به عنوان مثال «زمستان» بخشی از «سال» است، «یکشنبه» بخشی از «هفته» است و... در معنی‌شناسی واژگانی، رابطه معنایی به نام «جزءواژگی»^۱ یا «رابطه جزء و کل» مطرح است که طبق تعریف کروز (۱۹۹۵) در این رابطه معنایی یک کل متشکل از اجزایی است که هریک دارای نامی مشخص و جداگانه هستند. از این‌رو می‌توان گفت که اعضای گروه دوم جزئی از اعضای گروه اول هستند و رابطه میان آن‌ها رابطه معنایی «جزءواژگی» است.

مثال‌های زیر به ترتیب متعلق به گروه‌های الف و ب زمان‌واژه‌های مورد بحث ما می‌باشند. در مثال‌های ۸ زمان‌واژه‌های گروه الف همراه با تکواژ جمع «-ها» و به عنوان قید زمان جمله، معنای جمع، را و مثال‌های ۹ زمان‌واژه‌های گروه ب همراه با تکواژ جمع «-ها» و به عنوان قید زمان معنای تکرار را می‌رسانند.

(۸) الف- قرن‌ها پیش بشر به گردیدن زمین پی برد.

ب- سال‌ها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد.

ج- علی ماه‌ها درس خواند تا سرانجام موفق شد.

(۹) الف- زمستان‌ها کرسی زغالی می‌گذاشتیم. (هر زمستان کرسی زغالی می‌گذاشتیم.)

1. meronymy

ب- مردم، اردیبهشت‌ها، برای دیدن مراسم گلاب‌گیری به کاشان می‌روند.
 (مردم هر اردیبهشت، برای دیدن مراسم گلاب‌گیری به کاشان می‌روند.)
 ج- علی یکشنبه‌ها به کلاس زبان و دوشنبه‌ها به کلاس شنا خواهد رفت.
 (علی هر یکشنبه به کلاس زبان و هر دوشنبه به کلاس شنا خواهد رفت.)
 د- دوست دارم صبح‌ها به پیاده‌روی بروم. (دوست دارم هر صبح به پیاده‌روی بروم.)
 اکنون که نشان دادیم در مثال‌های بالا در هریک از زمان‌واژه‌های گروه ب (در جایگاه قید زمان) تکواژ «- ها» می‌تواند خوانش کمیت‌نمای «هر» داشته باشد، باید دید که آیا این زمان‌واژه‌ها سایر ویژگی‌های کمیت‌نماها را نیز دارند یا خیر؛ از این‌رو در بخش بعد کمیت‌نماها و ویژگی‌های آن‌ها را به‌طور مختصر بررسی می‌کنیم.

۴. سورها

استفاده از سور یا کمیت‌نما یکی از ویژگی‌های مهم زبان‌های طبیعی است. عدد خود یک کمیت‌نما است و کلمه‌هایی مانند هر، همه، بیشتر، بعضی و ... نیز کمیت‌نما یا سور می‌باشند. به‌طور کلی هر واژه‌ای که بر کمیت دلالت کند، کمیت‌نما به‌شمار می‌رود.

هگمن (۱۹۹۱) در مبحث مربوط به ساخت منطقی، کمیت‌نماها را نیز بررسی می‌کند و معتقد است هرگاه یک کمیت‌نما با یک اسم همراه شود، دیگر آن اسم در عالم مقال دارای مصداق مشخصی نیست، بلکه مصداق آن به شرایطی بستگی دارد که آن جمله در آن به‌کار می‌رود؛ به عنوان مثال در جمله ۱۰ مرجع everyone مشخص نیست و منظور گوینده این جمله هنگامی آشکار می‌شود که بافت و موقعیت گوینده در آن مشخص باشد.

George saw everyone. (۱۰)

اگر یک معلم در کلاس درس و در میان دانش‌آموزان این جمله را بگوید، ارجاع everyone می‌تواند دانش‌آموزان آن کلاس باشد، ولی اگر این معلم در بین همکاران خود جمله ۱۰ را بگوید، everyone می‌تواند بر هریک از معلم‌ها دلالت کند. هگمن در ادامه بازنمایی زیر را برای جمله سوردار ۱۰ ارائه می‌دهد (هگمن، ۱۹۹۱: ۴۸۸ و ۴۹۰):

George saw everyone. $\forall x (Hx \rightarrow Sgx)$ (۱۱)

جمله ۱۱ یک جمله معمولی نیست، بلکه یک گزاره سوردار است. \forall در زبان منطق، نشانه



سور عمومی است و با کلماتی چون هر و همه مطابقت دارد. x یک «متغیر» است و تعبیر آن بستگی به کمیت‌نمایی دارد که آن را مقید می‌کند و خود کمیت‌نما نیز یک «عملگر» است. تعبیر یک متغیر بستگی به عملگری (در اینجا سوری) دارد که آن را مقید می‌کند.

مثال ۱۲ نیز جمله‌ای سوردار است که سور آن از نوع سور وجودی است (همان: ۴۸۸ و ۴۹۰).

George saw someone. $\exists x (x=H) (Sgx)$ (۱۲)

در زبان منطق \exists علامت سور وجودی است. $\exists x$ بدین معنا است که حداقل یک نفر برای متغیر x وجود دارد و در اینجا سور \exists یک متغیر x را مقید می‌کند. هگمن (همان منبع) در ادامه جمله ۱۳ را مطرح می‌کند که در آن دو سور عمومی^۱ و وجودی به کار رفته است (همان، ۱۹۹۱: ۴۹۰).

Everyone saw someone. (۱۳)

بنابر نظر هگمن این جمله دارای دو تعبیر زیر می‌باشد:

۱۴. الف- به ازای هر شخص x یک شخص y وجود دارد، به این صورت که x y را دید. مثلاً حسین علی را دید، مریم لیلا را دید و رضا محمد را دید.
 ۱۴. ب- یک شخص y (علی) وجود دارد، به این صورت که همه (هرکس) او را دیده‌اند. مثلاً حسین و مریم و لیلا، علی را دیده‌اند.

از آنجاکه تقدم و تأخر در تعبیر این سورها باعث این ابهام شده است، هگمن نتیجه می‌گیرد که کمیت‌نماها دارای «دامنه» هستند و صورت منطقی جایی است که دامنه گروه‌های کمیت‌نما در آن مشخص می‌شود. بدین ترتیب در ۱۴. الف دامنه سور عمومی بزرگتر از دامنه سور وجودی است ($\forall > \exists$) و در ۱۴. ب بالعکس ($\exists > \forall$). بنابر نظر می (۱۹۸۵) دستور جهانی شرایطی را مطرح می‌سازد که در آن نه تنها جابه‌جایی‌های آشکار همچون جابه‌جایی گروه‌های پرسش‌واژه تبیین می‌شود، بلکه جابه‌جایی‌هایی که در صورت منطقی اتفاق می‌افتند، همچون ارتقای گروه‌های سور نیز قابل تبیین هستند. در واقع در جملاتی که دارای دو سور هستند، جابه‌جایی آن‌ها در صورت منطقی از آن‌ها ابهام‌زدایی می‌کند. پس ابهام در باهم‌آیی دو سور یکی از ویژگی‌های آن‌ها است.

1. variable
 2. operator
 3. existential quantifier
 4. universal quantifier
 5. scope

ویژگی دیگر سورها، داشتن تعامل با گروه‌های استفهامی است. دلیل این امر این است که گروه‌های استفهامی نیز دارای دامنه هستند و حرکت آن‌ها به شاخص گروه متمم‌ساز^۱ در زبان‌هایی چون انگلیسی به انگیزه گرفتن دامنه است. از آنجاکه گرفتن دامنه در مورد گروه‌های دارای سور نیز مطرح است، پس باهم‌آیی یک سور و یک عبارت استفهامی در یک جمله منجر به ابهام آن جمله خواهد شد.

می (۱۹۸۵) معتقد است که سورها و عبارت‌های استفهامی (به شرط آنکه عبارت استفهامی مربوط به فاعل جمله نباشد) در یک جمله با یکدیگر تعامل دارند. این وضعیت را در جمله مبهم ۱۵ مشاهده می‌کنیم.

What did everyone buy for Max?

(۱۵)

(می، ۱۹۸۵: ۳۸).

این جمله دارای دو خوانش است، به این صورت که یا پرسشی درباره چیزی است که همه آن چیز را برای ماکس خریده‌اند، یا پرسشی درباره این است که هریک از افراد به‌طور جداگانه چه چیزی را برای ماکس خریده است. پس تعامل با عبارات استفهامی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های سورها است. اکنون با در نظر گرفتن این دو ویژگی سورها، به بررسی وجود این دو ویژگی در زمان‌واژه‌های مورد بحث ما در حالت جمع، یعنی زمان‌واژه‌های گروه ب، می‌پردازیم.

۵. رفتار سوری زمان‌واژه‌های جمع دارای نشانه «-ها»

با توجه به جملات ۶ و ۹، به نظر می‌رسد که زمان‌واژه‌های گروه ب همراه با تکواژ جمع «-ها» و در جایگاه قید زمان خوانشی چون خوانش یک گروه‌سور دارند. حال باید دید که آیا این زمان‌واژه‌ها گذشته از معنای خود، سایر ویژگی‌های سورها را نیز دارند هستند یا خیر. بدین منظور برای بررسی ویژگی اول سورها، یعنی «ابهام در باهم‌آیی دو سور»، جمله ۱۶ را در نظر می‌گیریم که دارای یک نمونه از زمان‌واژه‌های مورد نظر است.

(۱۶) جمعه‌ها دو نوع غذا می‌پزم.

از این جمله می‌توان دو معنا را دریافت کرد:

الف- دو نوع به‌خصوص از غذاها هستند که من جمعه‌ها آن‌ها را می‌پزم، مثلاً خوراک

1. spec cp



مرغ و لوبیا پلو.

ب- دو نوع غذای مختلف را هر جمعه می‌پزم، مثلاً یک جمعه خوراک مرغ و لوبیا پلو می‌پزم، جمعه دیگر خورشید قرمه‌سبزی و خورشید قیمه می‌پزم، جمعه بعد باقالی‌پلو و ته‌چین می‌پزم و ... همان‌طور که مشاهده می‌شود، باهم‌آیی «جمعه‌ها» و «دو نوع غذا» منجر به ایجاد ابهام و داشتن دو معنی در جمله ۱۶ شده است.

حال آنکه جمله‌ای چون جمله ۱۷ تنها یک معنا دارد و فاقد ابهام است.

(۱۷) ماه‌ها روی یک موضوع تمرکز کرده بودم.

تقابل معنایی میان این دو جمله نشان می‌دهد که این ویژگی سورها یعنی ابهام‌آفرینی آن‌ها در باهم‌آیی با یکدیگر، در مورد «جمعه‌ها» به همراه یک سور دیگر نیز صدق می‌کند، ولی در مورد «ماه‌ها» (گروه الف زمان‌واژه‌های مورد بحث ما) چنین حالتی وجود ندارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که «جمعه‌ها» مانند یک گروه‌سور رفتار کرده است.

ویژگی دیگر سورها نیز در مورد صورت جمع این گروه از زمان‌واژه‌ها صادق است. به عنوان مثال جمله ۱۸ دربردارنده صورت جمع زمان‌واژه «دوشنبه» (متعلق به گروه ب) به عنوان قید زمان جمله و یک عبارت استفهامی است.

(۱۸) چه کسی را دوشنبه‌ها ملاقات می‌کنی؟

برای این پرسش می‌توان دو پاسخ زیر را در نظر گرفت:

الف- دوشنبه‌ها به ملاقات پدرم می‌روم.

ب- این دوشنبه به ملاقات پدرم می‌روم، دوشنبه بعد به ملاقات مادر همسرم می‌روم، دوشنبه بعد از آن هم به ملاقات عمویم می‌روم و ...

وجود دو یا چند پاسخ برای جمله پرسشی ۱۸ نشان می‌دهد که در اینجا نیز باهم‌آیی عبارت استفهامی «چه کسی» و زمان‌واژه «دوشنبه‌ها» باعث ایجاد ابهام شده است؛ از این رو نتیجه می‌گیریم که «دوشنبه‌ها» رفتاری هم‌چون یک گروه سور دارد.

۶. ساخت پیشنهادی

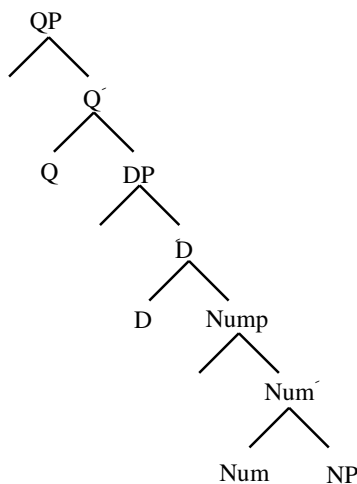
چنانکه دیدیم، زمان‌واژه‌های گروه ب مورد بحث ما، هنگامی که با تکواژ جمع «-ها» و به عنوان قید زمان به کار می‌روند، ویژگی‌های سورها را از خود به نمایش می‌گذارند، یعنی مانند سورها

در باهم‌آیی با سور دیگر و یک عبارت استفهامی باعث مبهم‌شدن جمله می‌شوند. به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که «دوشنبه‌ها» در مثال ۶ که برای سهولت در ارجاع در مثال ۱۹ تکرار شده است، خوانشی معادل «هر دوشنبه» و خاصیت کمیت‌نمایی دارد.

(۱۹) دوشنبه‌ها تلویزیون سریال جالبی پخش می‌کند.

در مثال بالا، «دوشنبه‌ها» یک گروه حرف تعریف است که دربردارنده گروه اسمی «دوشنبه» و به پیروی از معظمی (۱۳۸۵) دارای گروه نقشی شمار با هسته «-ها» است. در عین حال نشان دادیم که این گروه حرف تعریف (دوشنبه‌ها)، خوانشی معادل یک گروه کمیت‌نما یعنی «هر دوشنبه» دارد. به همین دلیل لازم است ساختی را ارائه کنیم که تبیین‌کننده روابط بین گروه کمیت‌نما و گروه حرف تعریف دارای گروه‌شمار باشد.

کاواشیما (۱۹۹۴) با توجه به آراء گیوستی (۱۹۹۱) و شلونسکی (۱۹۹۱)، گروه کمیت‌نما را بالاترین مقوله نقشی گروه‌های اسمی می‌داند و نتیجه می‌گیرد که ساخت گروه‌های اسمی که دارای دو فرافکن گروه‌شمار و گروه کمیت‌نما هستند، به شکل زیر است:

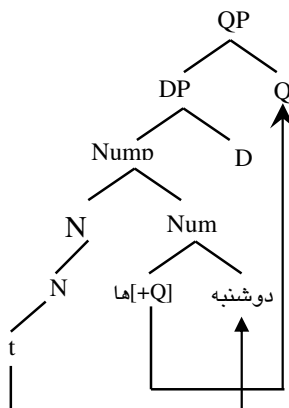


نمودار ۲۰

(کاواشیما، ۱۹۹۴: ۵۳)



اگر به پیروی از معظمی (۱۳۸۵) قائل به وجود گروه‌شمار در زبان فارسی و قرار داشتن تکواژ جمع در هسته آن شویم، به پیروی از کاواشیما (۱۹۹۴) نمودار (۲۱) را برای این گروه از زمان‌واژه‌ها که همراه با تکواژ جمع و در جایگاه قید زمان خوانش سوری دارند، پیشنهاد می‌کنیم.



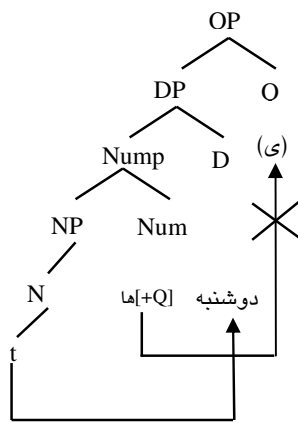
نمودار ۲۱

همان‌طور که در نمودار ۲۱ مشاهده می‌کنیم، هسته اسمی (دوشنبه) به هسته گروه‌شمار متصل می‌شود. بنابر نظر معظمی (۱۳۸۵) هسته اسمی به همراه تکواژ «-ها» دارای مشخصه + معرفه می‌شود و از آنجاکه این مشخصه جزء مشخصه‌های قوی است، برای بازبینی آن باید در نحو آشکار به هسته گروه تعریف حرکت کند و این مشخصه را بازبینی نماید، ولی زمان‌واژه‌های مورد بحث ما (گروه ب) همراه با تکواژ جمع «-ها» و به عنوان قید زمان خوانش یک سور را داشتند. در بخش معرفی سورها به نقل از هگمن (۱۹۹۱) خاطر نشان کردیم که هرگاه یک اسم با یک سور همراه شود، آن اسم دیگر در عالم مقال مصداق مشخصی ندارد و دیدیم که سور عمومی چون everyone (در جمله ۱۰) در جهان خارج مرجع خاصی ندارد. با توجه به اینکه «دوشنبه‌ها» در مثال ۱۹ معادل هر «دوشنبه» تعبیر می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که «دوشنبه‌ها» در این جمله دارای خوانش نکره - معرفه است، زیرا به «دوشنبه» خاصی اشاره نمی‌کند؛ از این‌رو «دوشنبه‌ها» که در جمله ۱۹ فاقد ویژگی معرفه می‌باشد، انگیزه‌ای برای حرکت به هسته گروه حرف تعریف و بازبینی این مشخصه

ندارد. در عوض دارای مشخصه مقوله‌ای Q + است که باید آن را بازبینی کند. به همین دلیل این گروه نحوی برای بازبینی این مشخصه خود به هسته گروه سور می‌رود و آن را بازبینی می‌کند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا این حرکت به طور آشکار و در سطح نحو و یا به شکل پنهان در صورت منطقی انجام می‌شود؟ طبق نظر چامسکی (۱۹۹۵) مشخصه‌های قوی باید قبل از رسیدن به بخش معنایی بازبینی شوند که در غیر این صورت دستگاه سقوط^۱ می‌کند. به همین دلیل اگر مشخصه + Q «دوشنبه‌ها» در نمودار ۲۱ مشخصه‌ای قوی باشد، باید در سطح نحو بازبینی شود، ولی اگر این مشخصه یک مشخصه ضعیف باشد، بازبینی آن را می‌توان تا صورت منطقی به تعویق انداخت. برای بررسی این مسئله، جمله ۲۲ را در نظر می‌گیریم که در آن «دوشنبه‌ها» همراه با «ی» نکره آمده است.

(۲۲) * دوشنبه‌هایی تلویزیون سریال جالبی پخش می‌کند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این مثال همراه شدن «دوشنبه‌ها» با «ی» نکره منجر به بدساختی جمله شده است. اگر به پیروی از قمشی (۲۰۰۳) جایگاه «ی» نکره را هسته گروه سور در نظر بگیریم، بدساختی جمله ۲۲ را می‌توان به این صورت تبیین کرد که با پر بودن هسته گروه سور، «دوشنبه‌ها» نمی‌تواند برای بازبینی مشخصه خود به هسته این گروه حرکت کند و مشخصه +Q در این گروه نحوی بازبینی نشده باقی می‌ماند و دستگاه سقوط می‌کند. نمودار ۲۳ بیانگر مجاز نبودن حرکت «دوشنبه‌ها» به گروه کمیت‌نما به واسطه پر بودن هسته این گروه توسط «ی» نکره است.



نمودار ۲۳

1. crash

پس می‌توان نتیجه گرفت که این مشخصه یک مشخصه قوی بوده است که بازبینی نشدن آن باعث بدساختی جمله ۲۲ شده است و حرکت هسته اسمی همراه با تکواژ جمع «-ها» به هسته گروه‌سور حرکتی است که در نحو و به‌طور آشکار انجام می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان دادیم که تکواژ جمع «-ها» به همراه بعضی از زمان واژه‌های زبان فارسی رفتاری هم‌چون رفتار یک سور را از خود به نمایش می‌گذارد، یعنی در باهم‌آیی با سور دیگر دارای ابهام می‌باشد و نیز با پرسشواژه‌ها تعامل دارد. بدین ترتیب فرضیه مطرح‌شده در این تحقیق مبانی بر اینکه نشانه جمع «-ها» به دسته‌ای از زمان‌واژه‌های میزبان خود ویژگی گروه‌های سور را می‌بخشد، تأیید می‌شود. در تحلیل این پدیده، به پیروی از کاواشیما ساخت ۲۱ را پیشنهاد کردیم. در این ساخت بازبینی مشخصه $+Q$ این زمان‌واژه‌ها را نیز نشان دادیم و از عدم‌باهم‌آیی این زمان واژه‌ها به صورت جمع با یای نکره نتیجه گرفتیم که مشخصه $[+Q]$ ، مشخصه‌ای قوی است و این حرکت به طور آشکار و در نحو انجام می‌شود.

۸. منابع

- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۴۸). «علامت‌های جمع در فارسی معاصر»، *مجله سخن*، د ۱۹، ش ۸، دی ۱۳۴۸.
- صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارژنگ. (۱۳۵۷). *دستور سال سوم آموزش متوسطه عمومی (فرهنگ و ادب)*، تهران: انتشارات آموزش و پرورش.
- لازار، ژیلبر. (۱۹۹۲). *دستور زبان فارسی معاصر*، ترجمه مهستی بحرینی (۱۳۸۴)، تهران: انتشارات هرمس.
- معظمی، آرزو. (۱۳۸۵). «نحو گروه حرف تعریف در زبان فارسی»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- Chomsky, N. (1995) *The Minimalist Program*, Cambridge, Mass: MIT Press.

- Cruse, D. Alan. (1995). *Lexical Semantics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Ghomeshi, J. (1996). "Projection and inflection": *A study of Persian phrase structure*, Ph.D. dissertation: University of Toronto.
- ----- . (2003). "Plural marking, indefiniteness and the noun phrase", *Studia Linguistica*, Vol.57, No.2, PP. 47-74.
- Giusti, G. (1991). "The Categorial Status of Quantified Nominals", *Linguistische Berichte*, PP. 136: 438-454.
- Haegeman, L. (1991). *Introduction to Government and Binding Theory*, Oxford: Blackwell.
- Kawashima, R. (1994). "The structure of noun phrase and the interpretation of quantificational" NPs in *Japanese*, Ph. D. dissertation: Cornell University.
- May, R. (1985). *Logical Form*, Cambridge, Mass: MIT Press.
- Panagiotidis, P. (2002). *Pronouns, Clitics and Empty Nouns: "Pronominality" and Licensing in Syntax*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing co.
- Samiiian, V. (1983). "Structure of phrasal categories" in *Persian, an x-bar analysis*, Ph.D dissertation: UCLA.
- Shlonsky, U. (1991). "Quantifiers as functional heads: A study of quantifier float in Hebrew", *Lingua*. PP. 84: 159-180.
- Ura, H. (2000). *Checking theory and Grammatical functions in universal grammar*, New York: Oxford University Press.